روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR
دوشنبه | ۸ بهمن ۱۴۰۳ | ۲۶ رجب ۱۴۴۶ | ۲۷ ژانویه ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۲۴۱ | ۸ صفحه | ۵۰۰۰ تومان
۱۱۹۰ سال و ۱۳۷ روز گذشت

بعثت مبارک خاتم‌الانبیا حضرت محمد مصطفی صلی‌الله علیه و آله را شاد باش می‌گوییم

تسویه در آزادی

پرسپولیس با وجود ۱۰ نفره شدن
با نتیجه ۲ بر صفر از سد
تراکتور تبریز گذشت

صفحه ۶

سینمای متبرک

تحلیل سینمایی و تاریخی فیلم‌هایی
که درباره زندگی پیامبر اسلام(ص)
ساخته شده است

صفحه ۸

روی اعصاب اروپا

از ماجرای گرینلند تا دخالت
در انتخابات آلمان و مسائل انگلیس

ترامپ و ایلان ماسک
چه خوابی برای قاره اروپا دیده‌اند؟

عکس: Gettyimages

صفحه ۷

تیترهای امروز

بازگشت حماسه‌وار مردم لبنان به شهرها
و روستاهای جنوب با وجود تیراندازی
نظامیان رژیم صهیونیستی

پاتک شجاعت

■ ساکنان شهرک‌های شمال سرزمین‌های اشغالی همچنان جرأت بازگشت به منازل غصبی خود را ندارند

صفحه ۷

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ نحوه نقش‌آفرینی جولانی پشت حمله ساختگی داعش به زینبیه

داعش کراواتی

■ پاکسازی قومی علوی‌ها و دیگر اقلیت‌ها توسط حکومت نظامی سوریه آغاز شده است

صفحه ۷

ویژه

گزارش «وطن امروز» از پس‌لرزه‌های افزایش قیمت ارز در بازار مسکن و خالی شدن بنگاه‌ها از معامله‌گران

مقاومت مسکن در برابر دلار

صفحه ۳

از بیت‌اللات‌ها تا بیت‌الله

دلنوشت
زهرا محسنی‌فر

جاهلیت، سایه سهمگین خود را بر جزیره‌العرب گسترانده بود. مکه زیر سایه خناس بود و برای قریش، هُبَل الهالناس بود. مشرکان، بتان زرین را خدای جهان‌آفرین پنداشته و گرد بیت‌اللات‌ها می‌گشتند. کعبه، مطاف ابراهیم خلیل‌الرحمن، مرکز ثقل خداگریزان عالم شده بود. مسجدالحرام اگرچه برای موحدان حنیف‌آیین حرمت داشت اما غاصبان بیت‌الله، کاسبان سیم و زر بودند و حرم را به بت‌آرایی می‌آلودند. در آسمان تیره و بی‌ستاره جاهلیت اما محمد جوان، چون قرص ماه می‌درخشید. مغناطیس محبت او دل‌های آهنین مکیان را برآده‌وار ربوده و آوازه جوانمردی‌اش به گوش همه قبایل قریش رسیده بود. برای یتیم‌بچه بزرگ‌شده قریش، صفت «امین» همان فضل بزرگی بود که اعداءالله به آن شهادت می‌دادند. قوه عاقله محمد امین وقتی غائله نصب حجرالاسود بر رکن حجری کعبه

را به سرانگشت تدبیر حل کرد، محبتش در دل سنگ همه طوایف مکه رسوخ کرد. حتی قبل از نزول قرآن، وجود نازنین زاده عام‌الفیل، «لایلاف قریش» بود... جامه مزمل چون بر قامت محمد(ص) پیچیده شد، رسول‌الله(ص) از پیله حرا بیرون آمد. جبرئیل امین، پیک وحی، از ملکوت آسمان‌ها آمده بود تا «امین» را «رحمه‌للعالمین» کند. پیغمبر آخرالزمان «لااله الا الله» را که فریاد زد، نظام طبقاتی حاکم بر حجاز همچون کنگره‌های طاق کسری فرو ریخت. آنچه پیامبر خدا آورده بود، طغیان علیه دنیای جاهلیت بود. مرفهان خیلی زود قد علم کردند و مشرکان در مقابل او کوتاه نیامدند. آقابالاسران، ترازوی عدالت را در دستان خاتم رسالت همچون شمشیر جهاد می‌دیدند و برده‌زادگان، رسالت اجتماعی‌اش را نفی اربابیت می‌دانستند. تا خارج از مناسبات قدرت بود، نزد مکیان امین بود و جاذبه داشت. داستان بعثت اما ماجرای حکومت توحیدی را به دنبال داشت و راهزنان بلدالامین آن را بر نمی‌تافتند.

ادامه در صفحه ۸

حزب‌اللهی‌ها و مسأله حجاب

یادداشت
امیرعباس نوری

بگذارید با یک سوال شروع کنیم: حزب‌اللهی کیست؟ یک تعریف ساده از حزب‌اللهی، اعتماد به نظام جمهوری اسلامی و حمایت همه‌جانبه از جمهوری اسلامی است. حزب‌اللهی کسی است که در هر مقطعی، منافع و مصالح نظام را درک کرده و متناسب با منافع و مصالح نظام اقدام می‌کند.

در شرایط فعلی، یعنی ۲ سال پس از شورش ۱۴۰۱ در حالی که دشمن در میانه جنگ، جمهوری اسلامی را به شعله‌ور کردن این شورش تهدید می‌کند، بدیهی است که حزب‌اللهی در محاسبات خود، اولویت‌سنجی می‌کند. یک حزب‌اللهی باهوش و متدین می‌داند مساله حجاب بهانه‌ای برای تضعیف و براندازی جمهوری اسلامی است. یک حزب‌اللهی خردمند می‌فهمد در نظر دشمن، حجاب یکی از پایه‌های عقیدتی جمهوری اسلامی است و برای وارد کردن ضربه کاری به جمهوری اسلامی باید از مساله حجاب وارد شد.

یک حزب‌اللهی انقلابی خردمند می‌فهمد که در سال ۱۴۰۱ شعارهای شورشیان که دنبال برهنگی و بی‌بندوباری بودند، مستقیما علیه رهبر انقلاب بود و تندترین و سریع‌ترین توهین‌ها علیه شخص ایشان مطرح شد. یک حزب‌اللهی منصف می‌فهمد دشمن، مهم‌ترین مانع بر سر راه ولنگاری فرهنگی را شخص رهبری و ولی فقیه می‌داند و از همین رو تلاش می‌کند شخصیت رهبری را در جامعه تخریب کند. در واقع دشمن می‌داند مهم‌ترین مدافع حجاب و عفاف در جامعه، جمهوری اسلامی و شخص رهبر انقلاب اسلامی است و از همین رو تلاش می‌کند به شیوه‌های مختلف، با تخریب و تضعیف وجهه رهبری، هم مساله بی‌حجابی را دنبال کند و هم به بهانه آن، پروژه تضعیف جمهوری اسلامی را به پیش برد. به همین خاطر یک حزب‌اللهی هوشیار و بیدار باید بداند حفاظت از جمهوری اسلامی و تقویت جمهوری اسلامی، مهم‌ترین اقدامی است که می‌تواند برای حفظ حجاب و سایر مطالبات و آرمان‌های انقلابی جریان حزب‌الله انجام دهد. معنی ساده‌تر این حرف این است که در حال حاضر که نظام جمهوری اسلامی آماج جدیدترین و پیچیده‌ترین نقشه‌ها و طراحی‌هاست، مهم‌ترین تکلیف جریان حزب‌اللهی و متدین جامعه، حراست و حمایت از نظام جمهوری اسلامی و در راس آن ولی فقیه و اجتناب از هر اقدامی است که منجر به تضعیف نظام و تقویت نقشه‌های دشمن شود.

این یک واقعیت مهم است که جریان متدین و حزب‌اللهی باید نسبت به آن اهتمام داشته باشد. دشمن پس از ۴۶ سال دشمنی و به کار بستن انواع نقشه‌ها و طراحی‌ها و تحریم‌ها به این نتیجه رسیده برای تضعیف جمهوری اسلامی، پس از تحریم‌ها باید از حوزه حجاب وارد شود؛ مهم‌ترین پیام آن برای جامعه وسیع و گسترده متدینان و حزب‌اللهی‌ها این است که مهم‌ترین مدافع حجاب، نظام جمهوری اسلامی است. تعارفات را کنار بگذاریم. قانون حجاب را چه کسی و چه نظامی در ایران اعمال کرده است؟ جمهوری اسلامی. چه کسی طی این ۴۵ سال از این قانون و حفظ حجاب حمایت و حراست کرده است؟ نظام جمهوری اسلامی. چه کسی برای دفاع از حجاب و حراست از قانون حجاب هزینه داده است؟ نظام جمهوری اسلامی. در شورش پاییز و زمستان ۱۴۰۱ علیه حجاب، کدام‌یک از مسؤولان بیشترین هزینه را دادند و بیشترین مقابله را با شورشیان انجام دادند؟ شخص رهبر انقلاب.

اساسا دلیل اینکه در شورش برهنگی و بی‌بندوباری ۱۴۰۱، رهبری مورد بیشترین و بی‌سابقه‌ترین تخریب‌ها و اهانت‌ها قرار گرفتند، این بود که شخص رهبری انقلاب مهم‌ترین مدافع حجاب و مهم‌ترین حافظ قانون حجاب در ایران بوده و هستند.

یک جوان متدین، حزب‌اللهی و انقلابی قطعا باید این بدیهیات را بداند.

بنابراین اکنون نیز که مساله قانون حجاب و اجرای آن یکی از مطالبات جریان حزب‌الله و متدینان جامعه است، همه بویژه جریان حزب‌اللهی، انقلابی و قاطبه توده‌های متدینان باید نسبت به نظام اسلامی و حساسیت نظام نسبت به مساله حجاب «اعتماد» لازم را داشته باشند. همان کسانی که در اوج شورش بی‌حجابی و بی‌بندوباری پاییز و زمستان ۱۴۰۱ در مقابل شورشیان داخلی و خارجی ایستادند و از حجاب زن مسلمان ایرانی حفاظت کردند، قطعا اکنون که این شورشیان تضعیف‌شده مترصد فرصتی جدید برای ایجاد آشوب و ناامنی هستند، تصمیمات و اقدامات لازم را اندیشیده و قطعا به کار خواهند بست. بنابراین جریان متدین و حزب‌اللهی که پایداری و پایمردی نظام جمهوری اسلامی در اوج شورش ۱۴۰۱ را با چشمان خود دیده و با تمام وجود لمس کرده است، اکنون نیز باید به تدابیر نظام جمهوری اسلامی برای مدیریت موضوع حجاب اعتماد کامل داشته باشد. یعنی اگر قانون حجاب در مجلس تصویب شده است، این به آن معناست که اهتمام برای مقابله با لاابالی‌گری در جامعه وجود دارد و قوانین لازم را تصویب کرده است.

اگر همین قانون حجاب، بنا به مصالحی فعلا اجرایی نشده است، جریان حزب‌اللهی و متدین جامعه باید به این تدبیر نظام جمهوری اسلامی اعتماد کرده و نسبت به آن احترام بگذارد.

وقتی مهم‌ترین مدافع حجاب در ایران، نظام جمهوری اسلامی است و همه متدینان، حزب‌اللهی‌ها و جوانان انقلابی در جریان اتفاقات ۱۴۰۱، این واقعیت را با تمام وجود درک و لمس کرده‌اند، قاعدتا باید برای حمایت از حجاب و برای حفظ حجاب، حول نظام جمهوری اسلامی جمع شوند و تلاش کنند این ستون اجرای قوانین اسلامی و شرعیات در جامعه محکم و مستحکم شود. از همه مهم‌تر، باید هر آنچه وظیفه‌شان است انجام دهند تا این خیمه اسلام و به تعبیر حاج‌قاسم حرم اسلام و تشیع، در مقابل دشمنان و نقشه‌ها و طراحی دشمنان استوار و محکم ایستاده و کارها را جلو ببرد. جمهوری اسلامی ایران اکنون آماج پیچیده‌ترین نقشه‌ها و طراحی‌ها و شدیدترین توطئه‌ها و حملات سخت و نرم است. اکنون جمهوری اسلامی از یک سو به واسطه تحریم‌ها، درگیر و پیگیر راه‌حل‌هایی برای کاهش فشار اقتصادی بر مردم است و از سوی دیگر به واسطه جنگ ۱۶ ماهه اخیر رژیم صهیونیستی علیه مقاومت، در حال یک طراحی جدید برای بازسازی بازدارندگی و معادله و موازنه قدرت در منطقه است. در این میان دشمن صهیونیستی و آمریکایی تلاش می‌کند با ترفندهای مختلف یک التهاب و ناآرامی جدید را در ایران به راه اندازد تا از طریق آن، هم شورش ۱۴۰۱ را بازسازی و هم تلاش کند از طریق نفوذی‌های خود در داخل کشور زمینه ایجاد اعتراضات دیگری بویژه اعتراضات اقتصادی را ایجاد کند و آن را به شورش مرتبط با مساله حجاب پیوند بزند. حالا تصور کنید در این شرایط، تهدید حمله نظامی نیز روی میز مقامات رژیم صهیونیستی است و آنها نیز در حال تلاشند شرایط لازم را برای انجام حمله مستقیم نظامی به ایران فراهم کنند.

خب! در چنین شرایطی قطعا یکی از الزامات مهم و حیاتی، حفظ «آرامش» کشور است. هر اقدامی که منجر به ایجاد التهاب، در هر سطح و اندازه و بخشی در کشور شود، می‌تواند به برنامه دشمن برای ایجاد التهاب و آشوب و ناآرامی در کشور کمک کند. دولت و هر کدام از ساختارهای حاکمیتی، باید از هر تصمیم یا اقدامی که منجر به ایجاد نارضایتی یا التهاب در کشور شود، پرهیز کنند. همین‌طور جریان‌ها و گروه‌های سیاسی درون نظام نیز باید دقت کنند و آب در آسیاب دشمن نریخته و اصطلاحا هیزم‌کش آتش فتنه دشمن نشوند. قاعدتا در این شرایط، جریان حزب‌الله تکلیف مهم‌تری بر عهده دارد؛ جریانی که مدعی حمایت و حفاظت از نظام جمهوری اسلامی و معتقد است این نظام جمهوری اسلامی است که مطالبات مذهبی و اعتقادی آنها را پوشش داده و اجرا می‌کند، باید پیشگام رعایت این ملاحظات و الزامات باشد، نه اینکه خدای نکرده در راستای یک مطالبه بحق و منطقی و شرعی و دینی، مرتکب یک اقدام و رفتار اشتباه شود که نقشه‌های دشمنی را که طراح شورش «زن، زندگی، آزادی» بوده، تقویت کند.

این یک معنی خیلی واضح و روشن دارد. برای مقابله اصولی و ریشه‌کن کردن فتنه بی‌حجابی، در وهله اول باید تلاش کرد نقشه و طراحی دشمن برای بی‌حجابی و زمینه‌ها و ظرفیت‌های داخلی آنان تضعیف و به حاشیه برده شود. یعنی باید جوری رفتار کرد که اولا طراحان خارجی «زن، زندگی، آزادی» تضعیف شوند و اراده و انگیزه یا توانی برای پیگیری این نقشه شوم در ایران نداشته باشند و ثانیا به صورت همزمان، ماهیت عوامل مروج بی‌بندوباری و بی‌حجابی در داخل کشور برای عموم مردم روشن شود و به مرور به حاشیه رانده شوند. سپس در مرحله آخر، اقدامات لازم قانونی برای برخورد با این عوامل داخلی بی‌حجابی و بی‌بندوباری اعمال شود. نفهمیدن یا رعایت نکردن این الزامات، قطعا به سود پروژه بی‌حجابی و بی‌بندوباری در کشور است. یکی از وجوه و ارکان بصیرت، زمان‌شناسی است. عفونت سرطان‌زایی که در جریان شورش «زن، زندگی، آزادی» بروز کرد، موضوعی نیست که بتوان با یک اقدام ضربتی درمان کرد. باید ریشه‌های این سرطان و شاخه‌های آن شناسایی شده و از بین برود، یعنی باید امکان بروز مجدد این بیماری عفونی از بین برود. اگرنه هر اقدام شتاب‌زده و بدون محاسبه نه تنها موجب علاج این بیماری نمی‌شود، بلکه می‌تواند شرایط را برای بروز مجدد آن فراهم کند.

بنابراین جریان حزب‌اللهی و انقلابی و توده‌های متدین جامعه باید درباره مساله حجاب، ضمن اینکه انگیزه‌ها و مطالبات پاک و انسانی خود را حفظ می‌کنند، مقداری هوشمندی و صبوری به خرج بدهند.

همان‌طور که گفته شد لازمه این هوشمندی و صبوری، اعتماد به نظام اسلامی است. آنچه نظام جمهوری اسلامی در پاییز و زمستان ۱۴۰۱ در مقابله با شورشیان «زن، زندگی، آزادی» انجام داد، نشان داد انگیزه انقلابی و اراده دینی لازم در مسؤولان نظام برای مقابله و ریشه‌کنی این عارضه وجود دارد.

بنابراین با استناد به همین اقدامات نظام در مقابله با شورش «زن، زندگی، آزادی» باید گفت حتما و قطعا باید اعتماد لازم به نظام اسلامی وجود داشته باشد. نظام اسلامی هزینه‌های بسیار زیادی در مقابله با این شورش خشونت‌آمیز کرد. حالا که نظام با دادن هزینه‌های بسیار و با اعطای خون نیروهای فراجا، سپاه و بسیج توانسته است این شورش فتنه‌گون را تا حد زیادی کنترل و سرکوب کند، قطعا انگیزه مضاعفی برای ریشه‌کن کردن آن دارد. نظامی که در دفاع از حجاب جان بهترین فرزندان خود را اعطا کرده است، قطعا در ادامه نیز پای حجاب خواهد ماند. بنابراین این هم عقلانیت است و هم انصاف که در مساله حجاب و تدابیر و قوانین لازم برای اعمال و حفاظت از آن، به نظام جمهوری اسلامی اعتماد کنیم و همیشه این را در ذهن خود داشته باشیم که ضمانت اجرای قوانین اسلامی و شرعی در جامعه ایرانی، همین نظام جمهوری اسلامی است.

یک نکته دیگر را هم لازم است بدون تعارف مطرح کنیم. در مساله حجاب، باید هوشیار و مراقب شیطان‌ها و شیطنت‌های سیاسی باشیم. کسانی که این روزها کف خیابان بلندگو در دست می‌گیرند و به بهانه حجاب، علیه این و آن شعارهای سیاسی می‌دهند، در اتفاقات پاییز و زمستان ۱۴۰۱ کجا بودند؟ برخی از این افراد، آن زمان یا گم شده بودند یا دست‌کم با شور و حرارت امروزی در حمایت از حجاب شعار نمی‌دادند! اینکه چرا این افراد در موقع لازم غایب بودند و جاخالی دادند ولی در موقع غیرلازم حاضر و کاسه داغ‌تر از آش شده‌اند، هم قابل تامل است و هم شائبه‌برانگیز!

شرحی بر وضعیت اروپا در زمانه ترامپ

قاره‌ای تاریک مرده‌ای متحرک

یادداشت روز
حسین مهدی‌تبار

«برنامه‌ریزی برای ناتوی پس از آمریکا»، نسخه‌ای است که ادوارد استرینگر در فارن افرز برای اروپا تجویز می‌کند. او و بسیاری از کارشناسان معتقدند اروپا این‌بار تحت حمله آمریکا در دوران ترامپ جان سالم به در نخواهد برد. هر چند پیش‌بینی انحلال ناتو یا خروج آمریکا از آن قطعی نیست اما به طور حتم این اتحاد نظامی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو خواهد شد، البته این تنها مشکل اروپا در دوران ترامپ نیست. فردی که تهدید کرده بود «اجازه می‌دهد پوتین هر کاری که می‌خواهد با اروپا انجام دهد»، اکنون رئیس‌جمهور آمریکاست. ترامپ با شعار «اول آمریکا» به کاخ‌سفید آمده و تلاش دارد آمریکا را به سیاست انزواگرایانه‌ای بازگرداند؛ انزواگرایی‌ای که البته با آنچه در اوایل قرن بیستم مشاهده می‌شد تفاوت‌هایی دارد اما همین موضوع نگرانی‌هایی برای اروپایی‌ها به همراه دارد. با پیچیده‌تر شدن نظام بین‌المللی، پیوستگی‌ها و وابستگی‌های میان ملل و از همه مهم‌تر جلوگیری از ظهور چین، ترامپ نمی‌تواند آمریکا را تنها به قاره آمریکا - طبق دکترین مونرو - محدود کند اما او تلاش خواهد کرد هر آنچه مغایر با اصل «اول آمریکا» است را از میان بردارد.

مواجهه ترامپ با اروپا، ۳ بعد عمده دارد. ابتدا، جایگاه سیاسی اروپا که با روی کار آمدن ترامپ خدشه‌دار خواهد شد. اروپا در سال‌های اخیر تلاش کرده بود، زیر سایه هژمونی ایالات‌متحده به عنوان یک واحد اثرگذار در نظام بین‌الملل حضور یابد. برای نمونه، طرف اروپایی، طرف قابل‌توجه مذاکرات هسته‌ای ایران بود، چرا که دموکرات‌ها اروپایی‌ها را در صحنه بین‌المللی به بازی می‌گرفتند اما ترامپ معتقد است همکاری با اروپا و نه هیچ واحد دیگری در اولویت آمریکا نیست. او بر این باور است که آمریکا هژمون برتر جهانی است و می‌تواند مسائل جهانی را به‌تنهایی حل و مدیریت کند. در ماجرای طرح صلح آبراهام، همچنین در توافق با کره شمالی، اروپا هیچ نقشی نداشت. در این رویکرد، ترامپ در دوره اول خود به طور مستقیم نشان داد سیاست خارجی آمریکا باید بیش از پیش بر اساس منافع ملی شکل گیرد و در دوره دوم نیز این روند تداوم خواهد یافت، چنان که در تبلیغات انتخاباتی‌اش نیز به وضوح به این نکته اشاره کرده بود. برای اروپا که طی ۷۵ سال گذشته رهبری سیاسی خود را به ایالات متحده واگذار کرده بود تا در کنار آن یک بازیگر مؤثر محسوب شود، این رویکرد بسیار گران تمام خواهد شد. مکرون چندی پیش درباره وابستگی اروپا به خارج گفته بود: «ما تمایل داریم ژئوپلیتیک خود را به ایالات متحده واگذار کنیم، مدل رشد اقتصادی‌مان را به مشتریان چینی و نوآوری‌های فناورانه‌مان را به شرکت‌های بزرگ آمریکایی. برای من این موضوع ساده است: جهان از گیاه‌خواران و گوشت‌خواران تشکیل شده است. اگر تصمیم بگیریم گیاه‌خوار باقی بمانیم، گوشت‌خواران پیروز خواهند شد و ما به بازاری برای آنها تبدیل خواهیم شد».

دومین مساله‌ای که مواجهه اروپا با ترامپ را دردناک می‌کند، موضوع اقتصادی است. ترامپ بارها اروپا را «ضرر مضاعف» خوانده است؛ قاره‌ای که با ایالات متحده ۲۰۰ میلیارد دلار مازاد تجاری دارد؛ چیزی که به گزارش فارن پالیسی، «اروپا را در تیررس ترامپ قرار می‌دهد». ترامپ همچنین تهدید کرده در صورتی که اروپا انرژی و گاز مایع بیشتری از آمریکا نخرد، تعرفه‌های بیشتری اعمال خواهد کرد. او می‌تواند تعرفه‌های فولاد را بازگرداند و درباره صنعت خودروسازی نیز با اروپا وارد رقابت شود.

برای آنان که تاریخ را می‌شناسند، این موضوع بدیهی است که اروپا بدون حمایت آمریکا، قاره‌ای صلح‌آمیز و دموکراتیک نمی‌بود. اروپا در طول تاریخ، از جنگ‌های صدساله تا جنگ دوم جهانی، قاره‌ای متفرق با کشورهای جاه‌طلب و رقابتی بوده است. پس از پایان جنگ دوم جهانی، آمریکا با طرح مارشال این کشورها را تحت چتر حمایتی خود درآورد و اجازه داد تا اروپا پیشرفت کند. رهبری هژمونیک ایالات‌متحده موقعیتی برای اروپا فراهم کرد که بتواند به قاره‌ای متحد تبدیل شود اما بدون حمایت آمریکا، اروپا احتمالاً مجدداً به شرایط آشوب‌ناک بازخواهد گشت. این موضوع کاملاً با نظریه‌های رئالیستی روابط بین‌الملل همخوانی دارد که همکاری اتحادیه اروپایی را تنها تحت سایه رهبری آمریکا ممکن می‌داند. حضور آمریکا به متحدان اروپایی‌اش اجازه داد تا اختلافات خود را کنار بگذارند اما با پایان حمایت آمریکا، وضعیت چگونه خواهد بود؟ یک نمونه در دهه ۱۹۹۰، هنگامی که جنگ‌های بالکان رخ داد و آمریکا حمایت خود از اروپا را کنار گذاشت، نتیجه هرج و مرج در میان اروپایی‌ها بود.

سومین و در واقع مساله اصلی که اروپا با آمدن ترامپ با آن مواجه خواهد شد، مسأله ناتو است.

ادامه در صفحه ۸